



تأملی بر سیره علمی امام جعفر صادق (ع) و تأثیر آن در جهان اسلام

## چرا امام صادق(ع) را «رئیس مذهب تشیع» لقب داده‌اند؟

حجت‌الاسلام عباس جعفری قراهنی  
کارشناس تاریخ اسلام و تشیع

حضرت امام صادق (ع) در یک دوره خاص از تاریخ اسلام قرار گرفتند که با مدیریت واقع‌بینانه و جدی خود توانستند گام‌های بسیار مهمی در راه تثبیت مبانی اسلام ناب و سنت صحیح پیامبر اکرم(ص) بردارند، فرصتی که شاید برای هیچ یک از دیگر ائمه(ع) فراهم نشد، اما شرایط خاص دوره امام صادق(ع) چه بود؟

**الف:** به‌دنبال اقدامات غلط و ظالمانه حکومت بنی‌امیه در حادثه کربلا و به شهادت رسیدن امام حسین(ع) اعتراضات فراوانی از سوی طبقات مختلف نسبت به حکومت بنی‌امیه ایجاد شده بود. در این راستا، نهضت‌های بسیاری همچون نهضت توابین در کوفه و اعتراضاتی در مدینه شکل گرفت که البته با سرکوب مواجه شدند، اما دوره امام سجاد و امام باقر و امام صادق(علیهم السلام) دوره تقیه، سکوت و آرامش بود؛ دلیل آن هم، کم بودن پیروان اهل بیت(ع) و سرکوب نهضت‌ها بود و به همین دلیل، مردم قدرت چندیانی برای حضور در نهضت‌ها و مبارزه با حکومت بنی‌امیه نداشتند.

**ب:** ویژگی دوم زمانه امام صادق(ع) بحران‌های وسیعی بود که بنی‌عباس در جامعه اسلامی ایجاد کرده بود. آنان معتقد بودند حکومت از پیامبر اکرم(ص) باید به عباس بن عبدالمطلب می‌رسید، چون در ارث و میراث اسلامی عمو مقدم بر پسر عمو است؛ غافل از اینکه حکومت و جانشینی، ارث و میراث نیست و مقامی الهی است. همچنین عباسیان از صلاحیت لازم برای امامت برخوردار نبودند. در این راستا، امام صادق(ع) از این فرصت استفاده کردند و به تشریح و تبیین مبانی دینی اصیل پرداختند و مردم را هشدار می‌دادند که حاکم باید چه شرایطی داشته باشد و با این اقدامات و طرح این مبانی هشدارهای لازم را به مردم می‌دادند، عده‌ای استفاده کردند و عده‌ای هم قریب‌خوردند و در جریان شورش فراگیری که در آن دوره به‌وجود آمده بود، به‌دنبال بنی‌عباس رفتند.

**ج:** در این فضا، قدرت بنی‌امیه هم درگیر بنی‌عباس شده بود و مجموعه این عوامل، آزادی محدودی را برای امام صادق(ع) در مدینه ایجاد کرد تا ایشان بتوانند به تبیین مبانی دینی پرداخته، کلاس‌های درس خود را برگزار کنند و شاگردان بسیاری را در رشته‌های گوناگون علمی از فقه، اصول، کلام، تاریخ و علوم طبیعی پرورش دهند.

تلاش‌های امام صادق(ع) در تبیین مبانی دینی اسلام اصیل، جریان تشیع را سمت و سوی تازه‌ای بخشید و دستاوردهای بسیاری را برای جهان اسلام به‌دنبال داشت از جمله:

### ۱ گسترش فقه اسلامی

در دوره‌های قبل از امام صادق(ع) به‌خاطر حاکمیت ظالمانه بنی‌امیه مجالی برای گسترش مبانی فقهی اسلام فراهم نشده بود، اما امام صادق(ع) بسیار موشکافانه و دقیق با بهره‌گیری از آیات قرآن و روایات به این مهم جامه عمل پوشانیدند و مبانی فقهی اسلام را گسترش دادند. امام صادق(ع) همچنین در تبیین مسائل فقهی به روایات دیگر امامان، پدر بزرگوارشان امام محمد باقر(ع) و همچنین اجداد گرامی‌شان از امام سجاد(ع) تا امیرالمؤمنین(ع) استناد می‌دادند. بنابراین به پشتوانه «علم لدنی» توانستند در زمینه مبانی فقهی توقیقات فراوانی را نصیب جامعه مسلمان کنند.

### ۲ جذب مذاهب و طبقات مختلف اجتماعی

طبقات مختلف مردم، فرق و مذاهب مختلف، مناطق مختلف از عراق، شام، حجاز و ایران وقتی این سطح از تحلیل و تبیین مبانی دینی را از امام صادق(ع) می‌دیدند، برای کرسی درس امام صادق(ع) در مدینه جمع می‌شدند و مسحور بیان و سخن ایشان می‌شدند.

### ۳ طرح علوم غیردینی در کنار علوم دینی

امام صادق(ع) درس خود را منحصر به مباحث دینی نمی‌کردند، بلکه به تمام مسائل و پرسش‌هایی پاسخ می‌دادند که گرایش‌های مختلف طرح می‌کردند؛ حتی به طرح مباحثی در حوزه علوم پزشکی، ریاضیات، نجوم، علوم غیبی و همچنین مباحثی که در قرآن عنوان شده بود و بسیاری از آن مطلع نبودند، می‌پرداختند. امام صادق(ع) در سیره علمی خود تأکید بسیاری بر اسلام و قرآن داشتند و تنها بر مباحث برآمده از مذهب شیعه بسنده نمی‌کردند و با سعه‌صدر سعی می‌کردند تمام مذاهب برآمده از دین اسلام را مخاطب قرار دهند تا آنجا که مخالفان عقاید ایشان هم پای درسشان می‌نشستند.

### ۴ عقلانی و منطقی‌تر شدن جریان تشیع

سیره علمی امام صادق(ع) باعث شد تا مبانی اصیل اسلام به شکلی عقلانی و منطقی در جامعه گسترش پیدا کند و تأکیدی که ایشان بر حفظ سنت پیامبر گرامی اسلام(ص) داشتند، باعث رشد و گسترش مبانی اصیل اسلام ناب شد. در این راستا، ایشان شاگردان زیادی را تربیت کردند. مشهور است که حدود۴هزار نفر در دوره‌های مختلف، از کلاس درس ایشان بهره برده‌اند.

در دانشگاهی که امام صادق(ع) تأسیس کرده بودند، فارغ از تبیین و تدریس مبانی دینی، بر بازخوانی و بازفهمی مبانی دینی نیز تأکید می‌شد. این بازخوانی و بازفهمی، جامعه را در برابر مسائل تازه‌ای قرار داده و باعث شده بود تا نگاه «عقلانی» و «منطقی» در فهم آیات قرآن و سنت پیامبر(ص) در برابر دیدگاه عاطفی، ظاهرگرایانه و عوام‌فریبانه یا غلوکننده رشد پیدا کند. واقعیت این است که اسلام، دین منطق، برهان و استدلال است. در قرآن کریم، آیات فراوانی در ضرورت و اهمیت تعقل و تأمل آورده شده است و حتی خداوند در آیات بسیاری مخالفان را با حجت و دلیل مخاطب قرار می‌دهد. از این رو، امام صادق(ع) همواره در تعلیم خود تأکید داشتند که هرچند در مسیر هدایت، «فطرت» به انسان‌ها کمک می‌کند اما کافی نیست چنانکه عرفا با الهام از درونیات خود به یافته‌هایی می‌رسند اما این یافته‌ها که برآمده از تأملات شهودی است، کافی نبوده و انسان برای سعادت به «حجت درونی» و «حجت بیرونی» توأمان نیاز دارد. در این راستا، امام صادق(ع) جامعه را به این نکته مهم توجه می‌داد که در درک مبانی اسلام باید هم از وحی و مبانی اصیل بهره گرفت و هم به جنبه‌های فطری و درونی انسانی توجه کرد. مجموعه این یافته‌ها و آموزه‌ها، باعث حفظ و بقای اسلام حقیقی و اصیل در دوران امامت امام صادق(ع) شد. از این رو، امام صادق(ع) بواسطه اثرگذاری که بر جریان تشیع و عقلانی‌تر شدن آن داشتند، «رئیس مذهب تشیع» لقب گرفتند.

ضرورت نبوت و برکات و آثار آن

# وحدت زیرردای رحمت

ولادت مبارک پیامبر(ص) جشن فرزانی و عقلانیت، احیای کرامت انسانی و تعالی اخلاقی است

دکتر همایون همتی

فوق دکترای فلسفه دین و الهیات معاصر  
و استاد دانشگاه تهران

در آستانه ولادت فرخنده پیامبر نور و رحمت(ص) قرار گرفته‌ایم. به بهانه این مناسبت جسته، بعثت پیامبر(ص) و ضرورت نبوت و برکات و آثار آن را مورد تأمل قرار می‌دهیم. بعثت رسول اکرم(ص)، «رَحْمَةً لِّلْعَالَمِینَ»، تنها یک رویداد تاریخی نیست بلکه سرآغاز فصلی جدید در دفتر زندگی انسان‌ها و مژده‌رسان شروع طلوعی جدید در عمر بشریت است؛ طلوعی پرشکوه، معرفت‌بخش و بیدارگر. در طول تاریخ اسلام تاکنون کتاب‌ها، مقاله‌ها و رساله‌های بسیاری درباره شخصیت پیامبر(ص) و فضیلت‌های ایشان نگاشته شده است با این حال هنگامی که به زندگی او رجوع می‌کنیم و به تأمل می‌نشینیم به نیافته‌ها و ناگفته‌های بسیاری برمی‌خوریم. بی‌هیچ گرافه‌گویی، پیامبر اسلام(ص) از شخصیت‌هایی است که همواره در طول زندگی منادی و حمایتگر ارزش‌های متعالی اخلاقی بوده است و فلسفه بعثت خود را در سخنی که از او منقول است «به تکمیل رساندن ارزش‌های اخلاقی» معرفی کرده است؛ اِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ. به همین سبب ولادت چنین مولود مبارکی بی‌شک رویداد بسیار جخسته‌ای است؛ زیرا بعثت، سرآغاز جنبشی اخلاقی در میان انسان‌ها مبتنی بر حکمت و فرهیختگی و برای استقرار حق و عدل است.

آسمانها بنده ماه وی‌اند  
شرق و مغرب جمله نانخواه وی‌اند

ژانک لولاکست بر توقیع او  
جمله در انعام و در توزیع او  
گر نبودی او نیابیدی فلک  
گردش و نور و مکانی ملک  
گر نبودی او نیابیدی بهار  
نبودی و ماهی و دَرّ شاهوار  
گر نبودی او نیابیدی زمین

در درونه گنج و بیرون یاسمین (مولانا)

#### ■ رحمت برای اهل عالم

پیامبر(ص) که آمد هستی از او روشنی یافت، پتھا شکسته شد، ظلم و تبعیض از جامعه رخت برست و عرب جاهلی با خدا آشنا شد. خدای مهربانی‌ها، خدای قسط و عدل، خدایی که به انسان‌ها نزدیک است و رنج انسان را می‌بیند و می‌داند؛ نه خدایی در دور دست‌ها که با رنج انسان‌ها بیگانه است و در اوج هیبت و شکوه خود از ساختی فرازین با استغنا و بی‌اعتنایی بشر را بنگرد و دم برنیاورد. بلکه خدایی که در کنار انسان است با او می‌زید و اندیشناک اوست.

خدایی آگاه و مسئول، دوستدار و دل‌نگران انسان، خیرخواه و هدایتگر. خدایی که مونس و همدم آدمی در هر لحظه زندگی اوست (مولانا در «مثنوی معنوی» می‌گوید: مصطفی آمد که آرد همدمی) و پیامبرش انسانی از جنس انسان‌های عادی است که بر او وحی می‌شود (قُلْ أَنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مُِّثْلُكُمْ یُوحِیَ إِلَیَّ، در بین انسان‌ها زندگی می‌کند، رنج آنها را می‌فهمد، با محرومان و تهی‌دستان همشین می‌شود. انسانی برگزیده و والا است ولی خود را تافته جداافتاه آفرینش نمی‌داند و به آنها فخر نمی‌فروشد. بعدها که به خلوت‌نشینی در «غار حراء» پرداخت در سکوت سرشار غار به تنهایی آدمی و «وضعیت بشری» می‌اندیشد. (این خلوت‌های روحانی در اصطلاح سیره‌نگاران «تَحَنُّت» نامیده می‌شود) او به راهای انسان فکر می‌کرد و زنجیرهایی که دست و پای دل و ذهن آدمی را در بر گرفته بود. در سوره اعراف در تبیین اهداف بعثت آمده است: «پیامبر آمده است تا زنجیرها را از دست و پای شما برگیرد و آزادان کند و نه تنها از دست و پا که از ذهن و ضمیر و دل آن‌ها خرافه آلود شما. سنت‌های جاهلی را در هم کوبد و با جهان‌های فراخ آشنائیتان سازد» (اعراف/ ۱۵۷)

خداوند حضرت محمد(ص) را به رسالت فراخواند تا به خاموش کردن فتنه‌ها، به مبارزه با جاهلیت، لغزش‌ها، نادانی‌ها و محو بی‌عدالتی و ستم بپردازد تا دنیای ظلمت‌زده را به نوروحی و هدایت روشن کند و انسان‌ها را از کج‌راهه و انحراف بازدارد.

#### ■ شرایط و ویژگی‌های جامعه و زمانه پیامبر(ص)

حضرت علی(ع) که خود از پیشگامان ایمان به رسول اکرم(ص) و همراه همیشگی ایشان بوده است در تبیین شرایط جهان و جامعه هنگام بعثت می‌فرماید: «او را هنگامی به رسالت فرستاد که در جهان رسولانی نبودند. زمانی دراز بود که مردم به خواب رفته بودند. فتنه‌ها سربرداشت و کارها نابسامان بود. آتش جنگ‌ها شعله می‌کشید، روشنائی از جهان رخت‌بر بسته و قریب و نادرستی آشکار گردیده بود. جهان به باغی می‌مانست که برگ درختانش بر زردی گریبیده بود و کسی از آن امید ثمره‌ای نداشت.

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir

ایران



یَسْرَاجًا مُنِیرًا (احزاب ۴۶) «و به اذن حق (خلق را) به سوی خدا دعوت کنی و (در این شب ظلمانی جهان) چراغ فروزان عالم باشی.» و بدین‌سان پیامبر(ص) مبعوث گشت تا آن فضای پراشتاب جاهلیت زده را آرامش بخشد و قتلدران و زورمندان را سرجای خود بنشاند و محرومان و بابرهنگان را برگشد و سروری دهد. شایستگان را در راس امور قرار دهد و جامعه را به فلاح و رستگاری رهنمون گردد. او آمد تا «چراغ آفرینش» باشد و کل هستی را روشن سازد. مولانا در مثنوی نیکو سروده است:

بی فروغت روز روشن هم شب است

بی پناهت شیر اسیر اَرَنب است!

همانگونه که خدا خود روشنگر هستی است؛ «اللّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ»، پیامبرش نیز که «مظهر جامع اسماء و صفات» اوست روشنی‌بخش آسمان‌ها و زمین شد. «مظهر جامع اسماء و صفات» یک اصطلاح مشهور و رایج عرفانی است که عارفان مسلمان در بحث از «انسان کامل» و نیز بحث از «اسماء و صفات حق» برای توصیف پیامبر(ص) به کار می‌برند. (به «فصوص الحکم ابن عربی» با ترجمه پاکیزه دکتر محمد علی موحّد مراجعه شود).

#### ■ رسول اکرم(ص) و تأثیرات اجتماعی و سیاسی بعثت ایشان

نباید رویداد بزرگ بعثت را تنها از نگاه اخلاقی مطالعه کرد. «اخلاق» بی‌تردید محور و گوهر این حرکت است اما بعثت پیامبر(ص) پیامدهای پربرکت اجتماعی و سیاسی نیز داشت. آزادی و عدالت، برابری و محو تبعیض و ستم از دستاوردها و ارمان‌های انکارناپذیر رسالت پیامبر(ص) است که خدا خود نیز در قرآن شریف بدان اشارت فرموده است: «و بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آنها بود، (از دوش و گردنشان) بر می‌دار.» (اعراف/ ۱۵۷)

یعنی پیامبر(ص) تنها اخلاق و عارفی وارسته نیست، دغدغه ظلم و عدل و حق و باطل دارد. اهل رزم و مبارزه هم هست و در متن جامعه و زمانه خویش حضور دارد. بدین‌سان پیامبر(ص) آمده است تا زنجیرهای اسارت و بردگی و جاهلیت را پاره کند و انسان‌ها را از ستم و استعمار جباران و ستمگران رها سازد. او یک رهایی‌بخش و آزادگر (Social Liberator) است. انقلابی آزاده و هدایتگری که آراسته به ایمان و معنویت است و در عین حال به آزادی و برابری و عدل و داد می‌اندیشد و از رنج جامعه‌دمی غافل نیست. پیام او جاوید است و جهانشمول. وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا وَ لَٰكِنْ أَكْثَرِ النَّاسِ لَا یَعْلَمُونَ (سبأ/ ۲۸) «و ما تو را جز برای اینکه عموم بشر را (به رحمت خدا) شارت دهی و (از عذابش) بترسانی نفرستادیم و لیکن اکثر مردم (از این حقیقت) آگاه نیستند.»

رسالت پیامبر(ص) محدود به قوم عرب و صدر اسلام نیست. او برای همه انسان‌ها تا پایان روزگار مبعوث شده است و پیام او «همه مکانی» و «همه زمانی» است و همگان مخاطب اویند. قُلْ بِأَيِّهَا النَّاسُ إِنِّی رَسُولُ اللَّهِ إِلَیْكُمْ جَمِیعًا (اعراف/ ۱۵۸) «(ای رسول ما، به خلق) یگو که من بر همه شما جنس بشر، رسول خدایم.» شمول و گستره رسالت او عرب و عجم و مصر و ایران و حجاز، دیروز و امروز نمی‌شناسد و کل بشریت در بند و چهل زده و محتاج را در سراسر زمین و تا پایان روزگار دربرمی‌گیرد. پیام بلند و والای او همه را شامل می‌شود و مرزهای نژاد، قومیت، تاریخ و جغرافیا، زمان و مکان را درمی‌نوردد. پیامبر(ص) را باید در کلیت خود شناخت و با ابعاد متنوع شخصیت او به زرفی آشنا شد. باید با او زیست، با او انس گرفت و از روی آگاهی، او را رهروی کرد. ولادت مبارک پیامبر(ص) جشن فرزانی و عقلانیت، راهای انسان، احیای کرامت انسانی و تعالی اخلاقی است. به این اعتبار، بعثت رسول اکرم(ص) هنگامه فعلیت یافتن استعدادها و فزونی یافتن ظرفیت‌ها و شکوفا گشتن همه قابلیت‌های انسان است.



در جامعه‌ای که فرهنگ فرومرده بود، عدالت زیر لگدهای زرو زور و تزویر بی‌رمق افتاده بود؛ ستم، تفاخر و اشرافیت بیداد می‌کرد؛ هوس و شهوت حکومت می‌کرد؛ سودپرستی و دنیاطلبی ارزش رایج شده بود؛ فضیلت‌ها فراموش شده بود و ردیلان فرومایه به سروری رسیده بودند، خداوند، پیامبر خود را در آن یلدای تاریک پرظلمت برای نوربخشی به جهان و زدودن تاریکی‌ها، جهالت‌ها، ستمگری‌ها و بی‌فرهنگی‌ها به سوی جهانیان فرستاد: «و (ای رسول) ما تو را نفرستادیم مگر آنکه رحمت برای اهل عالم باشی.» و «به اذن حق (خلق را) به سوی خدا دعوت کنی و (در این شب ظلمانی جهان) چراغ فروزان عالم باشی.»